

بیماری "ساختار" اقتصاد ایران "چیست؟"

هدایت احمدی

وزارت کار طرحی را در دست بررسی دارد بنام " طرح پایداری بنگاه های اقتصادی و بنگاه های تولیدی". ظاهرا این طرح در رابطه با " بنگاه های تولیدی و اقتصادی مشکل دار و در حال رکود" می باشد.

به نظر می رسد قبل از هر چیز جهت رسیدن به راه حلی جهت پایداری بنگاه های تولیدی و نیز بنگاه های در حال رکود و در حال تعطیلی لازم است ابتدا علت و علل نا پایداری و مشکل دار شدن بنگاه های تولیدی بررسی شود و مسلما راه حل اصولی از داخل همین بررسی بیرون خواهد آمد.

ساختار اقتصاد دلالی

دولت کنونی بار ها اعلام کرده است که علت اصلی مشکلات اقتصادی از جمله گرانی، تورم، ناپایداری بنگاه های تولیدی و... "خرابی ساختار اقتصادی" ایران است - که دقیقا درست است- ولی با کمال تاسف عمدا و یا سهوا چیزی در باره محتوای این "ساختار اقتصادی معیوب" گفته نمی شود.

"اقتصاد دلالی و بازاری بجای اقتصاد تولیدی" مشکل ساختاری اقتصاد ایران است.

- اول اینکه این مشکل (ساختاری) نه تنها مشکل کشور ایران بلکه تمام کشور های باصطلاح "جهان سوم" است.

- دوم اینکه این مشکل نه تنها مشکل ایران در جمهوری اسلامی ایران است، بلکه مشکل ایران در نظام شاهنشاهی نیز بود و اصلا انقلاب بهمن ۵۷ برای همین تغییر ساختار صورت گرفت که به قدرت رسیدگان جدید مانع شدند.

اقتصاد دلالی در ایران و "جهان سوم" چه می گوید؟

می گوید ما نیاز به تولید نداریم، ما می توانیم نفت، مس، قلع، قهوه، پنبه، شکر و.... تولیدی از معادن و.... خودمان را به کشور های پیشرفته صنعتی صادر کنیم و به جای آنها کالاهای ساخته شده آنها- ماشین، پارچه، هواپیما، توپ، تانک، مسلسل و.... را وارد کنیم و مصرف کنیم. (این عین جملاتی است که همین آقای باهنر، گرداننده واقعی مجلس کنونی، در جریان تبلیغات پیش انتخاباتی مجلس پنجم رسما گفت و در مطبوعات وقت نیز منتشر شد.)

چنانچه می دانیم اقتصاد فوق همان اقتصاد استعماری است که باعث عقب افتادگی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و..... کشور های "جهان سوم" شده است.

بنابراین، اگر مفهوم "خرابی ساختار اقتصادی" مفهوم بالا نیست پس چیست؟ بهتر است از لاک کلبی بیرون بیایند و آنرا دقیقا برای مردم ایران شرح دهند.

از دو حالت خارج نیست.

- یا دولت نمی داند مفهوم "ساختار اقتصادی" چیست.

- یا خود را عمدا به ندانستن می زند.

در تمام کشور های پیشرفته جهان بدون توجه به نوع سیستم اقتصادی- اقتصاد سرمایه داری، اقتصاد سوسیالیستی، اقتصاد مختلط - تولید کنندگان (بجای دلان) حرف اول و نهایی را می زند.

ظاهراً برنامه چشم انداز ۲۰ ساله جمهوری اسلامی باید بعد از ۲۰ سال تسلط تولید کنندگان بر دلان را به نمایش بگذارد، اما با کمال تأسف چشم انداز فوق در عمل دیده نمی شود و چنانچه جریان همین طور پیش برود در ۲۰ سال آینده نه تنها دولت طرفدار تولید کنندگان نخواهیم داشت، بلکه بساط پهن شده نیاز به انقلاب دیگری خواهد داشت. می توان علل و عوامل مهم مشکلات اقتصادی (رکود و تعطیلی کارخانجات و بنگاه تولیدی، گرانی، بیکاری، فقر و..... و بالاخره پایداری بنگاه های اقتصادی) در جمهوری اسلامی را بصورت زیر دید:

- واردات لگام گسیخته و واردات بی رویه:

واردات بی رویه- یعنی تولیداتی که در داخل صورت می گیرد ولی باز هم وارد می شود - بزرگترین مشکل ساختاری اقتصاد ایران می باشد.

این واردات باعث پر شدن بازار از کالا های خارجی و در نتیجه عدم فروش تولیدات داخلی، تولیدات کارخانه ها، بنگاه های تولیدی، موسسات کشاورزی و را باعث می شود. ابتدا کارخانه ها و مراکز تولیدی با کاهش فروش، عدم فروش کامل و در نهایت با رکود و تعطیلی موقت و سپس دائم و در نتیجه بیکار شدن کارگران همان کارخانه ها و مراکز تولیدی و خدماتی که در رابطه با آنها هستند می شوند.

- بیکاری یعنی فقر، فقر یعنی انواع مفسد اجتماعی.

- عدم تولید یعنی گرانی (علت اصلی گرانی کاهش تولید در جامعه می باشد).

- عدم کنترل مواد اولیه تولید از یک طرف و کنترل قیمت ها توسط دولت از طرف دیگر:

کنترل قیمت ها و پائین نگهداشتن قیمت محصولات توسط دولت بدون کنترل قیمت محصولات مواد اولیه باعث نابودی تولید کنندگان می شود. بهترین مثال در این مورد پائین نگهداشتن قیمت گوشت مرغ توسط دولت در بازار و عدم کنترل قیمت دان مرغ (گندم، ذرت، پودر ماهی و...) است.

- مدیریت بنگاه های تولیدی :

با توجه به اینکه تولیدات صنعتی و کشاورزی کنونی چه در ایران و چه در جهان با گذشته قابل مقایسه نیست، لازم است اداره کنندگان و مدیران بنگاه های تولیدی- چه بخش دولتی و عمومی، چه بخش خصوصی و چه بخش تعاونی- از دانش جدید علمی در هر رشته تولیدی بر خوردار باشند و گر نه تولید چه از نظر کمیت و چه از نظر کیفیت نمی تواند قابل عرضه به بازار داخلی و نیز بازار خارجی باشد.

ضمناً مدیریت رابطه تنگاتنگ با عوامل دیگر تولیدی دارد و نمی توان به آن بهای کم داد و در عین حال نمی توان به آن- مانند خیلی از افراد- بیش از اندازه بهای داد.

راه توده ۱۶۲ ۲۴،۱۲،۲۰۰۷

²البته سوء استفاده بعضی (تعدادی) از صاحبان بنگاه های تولیدی که عمداً خود را به مردن می زنند تا بتوانند از دولت کمک - وام با بهره کم، وام بدون بهره، و حتی کمک بلا عوض و..... دریافت کنند نیز را باید به حساب آورد. بهترین راه این است که دولت و وزارت کار با تحقیق کامل و در صورت مستحق بودن کمک های فوق را به انجام برسانند. مسلماً این بحث در مطلب اخیر نمی گنجد و نیاز به مطلب دیگری دارد.